

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران
۱۲ اکتوبر ۲۰۲۲

دانش آموزان دختر و پسر جان تازه ای را به خیزش سراسری مردم دمیدند.

با باز شدن مدارس در مهرماه دسته دسته دختران و پسران دانش آموز نیز به مدرسه انقلاب گام نهادند و با ورودشان به میدان نبرد انقلابی علیه کفتاران جمهوری اسلامی جان تازه ای را به کمپ خیزش انقلابی مردم دمیدند. ورود این نیروی جوان و نوجوان برای مبارزه و پیروزی علیه جمهوری اسلامی هم اهمیت بلافصل دارد و هم بلندمدت. بی دلیل نیست که شور و شوق این جوانان، شور و شوق بسیاری را نیز در میان مردم و مبارزان به وجود آورده است. این نوجوانان قبل از اول مهر که مدارس گشوده شدند در مبارزات نیز شرکت می جستند از جمله نوجوانان عزیزی چون نیکا، حدیث و سارینا... که توسط مزدوران به خاک افتادند و غم از دست رفتن شان به خشم توده های مردم علیه جلالان حاکم تبدیل شد و انگیزه قدرتمندی شد برای نوجوانان که به خیزش سراسری مردم پیوندند. اما ورود این نوجوانان به مثابه یک دسته و گروه پرشور تأثیری کیفی در جنبش مردم داشته است و ویژه گی های برجسته ای به این خیزش داده که در اینجا تنها به چند جنبه مهم آن اشاره می کنیم:

۱- تأثیر در تناسب قوا : ورود نیروهای تازه نفس به میدان نبرد، تأثیر بزرگی در تناسب قوا بین انقلاب و ارتجاع گذاشت و کمپ انقلاب را بشدت تقویت نمود، این نوجوانان دبیرستانی در اقصی نقاط ایران از کلان شهرها مانند تهران گرفته تا شهرهای کوچک و بزرگ بخصوص در کردستان حضور دارند و همانند دانشجویان در یک نقطه متمرکزند و هم بستگی و تأثیرات متقابل میان شان آنان را به عمل متحدانه می کشاند. این شور و هیجان را نیز به خانواده ها انتقال می دهند و به صورت خودبخودی خانواده ها را نیز به نوعی درگیر جهت و سمت خود می کنند.

۲- رادیکالیسم : دختران و پسران دانش آموز از خشم آگین ترین اقشار جامعه نسبت به جمهوری اسلامی می باشند و بر رادیکالیسم خیزش نیز تأثیر مهمی دارند. گرچه دختران دانش آموز بودند که پیشتر پیوستن به مبارزات سراسری شدند و توانستند تأثیرات مهمی را بر پسران دانش آموز نیز بگذارند. روحیه جوان، نترس، پرنفس و پر از امید به آینده این بخش از جامعه نیز حال و هوای جنبش را تازه گی خاصی بخشیده است. این نوجوانان و بخصوص دختران نوجوان بیشترین فشار روحی از قوانین تبعیض آمیز جمهوری اسلامی را متحمل شده اند. از همان ابتدای زندگی در خانواده و اجتماع با تبعیض رویرو بوده اند. به آنها حقنه شده که بدن و سرو صورتشان نه به خودشان بلکه به دیگری تعلق دارد و اختیارش با دیگری است و به همین دلیل باید خود را به اجبار با حجاب ببوشانند. در گرما و سرما، در کلاس و بیرون از خانه باید با حجاب و پوششی که که از آن بیزار بوده به اجبار کنار بیایند و یا با مزاحمت های حراست مدارس

و یا ضرب و شتم ها و پرونده سازی های نهاد در اکولایی گشت ارشاد و عواقب آن روبرو شوند. این نوجوانان درک کرده اند که حکومت و نهادهای حکومتی نقش مهم و تعیین کننده ای را در وضع و اعمال به زور این قوانین زن ستیزانه بر عهده داشته اند. در نتیجه هم نمایندگان رژیم در مدرسه و هم دولت و مزدورانشان بدرستی مورد هدف دختران و پسران مدارس قرار گرفتند و ضربه کاری و سختی به رژیم و مزدوران شان در مدارس وارد کردند.

۳- مهر شکست ایدئولوژیک نظام- این نیروهای جوان مهر تعیین کننده ای را بر شکست ایدئولوژیک رژیم وارد کردند، رژیمی که قرار بود جوانان مکتبی و مومن به عقاید رهبران جمهوری اسلامی را تحویل جامعه دهند. در عوض این جوانان حکم دادند که برنامه آموزشی جمهوری اسلامی نه تنها شکست خورده بلکه جوانان و نوجوانان به حق از اعمال به زور دین و هر گونه آدابی که مربوط به دین باشد بیزارند. این چندمین بار است که برنامه های آموزشی جمهوری اسلامی شکست می خورد. تدابیر و برنامه های متنوعی را که سال ها و در دوره های مختلف برای تربیت نسل های مومن اسلامی آن هم از نوع شیعی ای آن بکار بردند و همچنین اختصاص نیروی وسیع انسانی، مالی و تبلیغاتی، برای سانسور، تحریف و یا حذف هنر، علم و دانش، نتیجه نداد. این برنامه ها و تدابیر هر بار باعث شد که ضدیت با مبانی اخلاقی و دینی جمهوری اسلامی بیشتر و بیشتر شود. اما این بار دیگر تنها در سطح نتیجه ندادن باقی نماند بلکه نسل جدید با جدیت هر چه تمامتر و در بطن اوضاع حاد سیاسی و انقلابی به جنگ و مبارزه علیه جمهوری اسلامی برخاسته است. آموزش جهل و خرافات نه تنها به کت این جوانان نرفت که آنها را به سختی خشمگین و عصیانگر نسبت به نظام و هر آنچه که مربوط به نظام است کرده است. اینان آینده سازان این جامعه اند. رژیمی که از نظر فکری منشا جهالت است پیر و کهنه و فرتوت عاجز از درافتادن با نسل جوانی است که عصیانگر و با شور و شوق است.

۴- ورود نوجوانان مدرسه ای به صورت گروهی و در برخی مناطق بصورت یک پارچه ضربه محکم و کاری به روحیه رژیم و دستگاه های سرکوب و نهادهای مختلف آن وارد کرد. هرچند که رژیم سرکوب گر سعی می کند این ضربات کاری به خود را بروز ندهد و یا اهمیت پیوستن جوانان به خیزش را بی اهمیت جلوه دهد و یا به روی خود نیاورد، اما مهم این است که دیگر از هیچ گونه مشروعیتی برای ترمیم نیروهای ایدئولوژیکش برخوردار نیست و بسختی می تواند حتی ظاهر خود و روحیه نیروهای سرکوبگرش را حفظ کند.

۵- پتانسیل جهت گیری واقعی و علمی به تاریخ: این نیروی پر شور و شوق و کیفی که از نظر فکری تعلق و وابستگی طبقاتی ندارد از پتانسیل و آمادگی بیشتری برخوردار است که درک خود از مسایل انقلاب را علمی تر کند و آنرا فرای مبارزه با جمهوری اسلامی ببرد. مبارزه با حجاب و قوانین تبعیض آمیز اسلامی علیه زنان اگر چه بسیار مهم است اما بیان مبارزه با یک سیستم و نظام استثمارگرانه سرمایه داری در کل نیست. درک و فهم از قوانین این نظام سرمایه داری به ما امکان می دهد که در مقابل جمهوری اسلامی از نظام های استثمارگری دیگر دفاع نکنیم و تجربه سال ۵۷ را تکرار نکنیم. تجربه ای که در آن نظام دیکتاتوری و وابسته سلطنتی پهلوی سرنگون شد اما با دخالت و ساطت و همکاری امپریالیست های غربی و حمایت بلوک امپریالیستی شرق دارودسته خمینی و باندهای تبهکارش حاکم شدند و یک نظام استثمارگری، ستمگرانه مذهبی و بشدت سرکوبگر جایگزین آن شد.

این جوانان که تجربه این نظام سرکوبگر و ضد انسانی را دارند قابلیت و توانایی آن را نیز دارند که درس های تاریخ ایران و جهان و تحولات جهانی را دریابند. این جوانان با مطالعه سوسیالیسم علمی و مطالعه تجارب واقعی تاریخ انقلابات یکی دو قرن اخیر و نه آن تاریخ تحریف شده و غیر واقعی که توسط نظام اسلامی و یا امپریالیست ها شب و روز به مردم و جوانان حقه می شود، به درکی والاتر از رهایی واقعی بشریت دست یابند.

درود به نوجوانان مبارز این نو نهالان انقلاب که مهرتاییدی بر شکست این ایدئولوژی ستمگرانه و استثمارگرانه رژیم
نهادند و امید برای آینده را در شرایط انقلابی کنونی جانی تازه دمیدند.

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران

۱۸ مهر- میزان- ۱۴۰۱